

## باغ صاحبقرانیه- (مجموعه فرهنگی - تاریخی نیاوران)



تاریخ مجموعه نیاوران را با تحلیل دگر دیسی های فراوان در کالبد آن همراه می نمایم تا روند تغییرات ساختاری آن نیز همراه با تاریخ باغ صاحبقرانیه بیان گردد. قصر نیاوران در باغی بزرگ در دهکده نیاوران ساخته شد. فتحعلی شاه و محمد شاه هر یک منزلگاهی بیلاقی در این مکان ساخته بودند و ناصرالدین شاه با تخریب آنها قصر نیاوران را ساخت و در سی امین سال حکومت وی قصر یاد شده به دلیل آغاز قرن دوم زمامداری وی «صاحبقرانیه» نام گرفت.

بنا به اشارات اعتمادالسلطنه در مرآت البلدان والد وی مشیرالدوله به مباشرت و مسئولیت این مهم بر گمارده شد. بدین روال چنانکه مرآت البلدان می آید: در سال 1267 ناصرالدین شاه به مشیرالدوله دستور داد عمارت جدید سلطانی در قصبه نیاوران بنا نماید و بازاری مشتمل بر یکصد باب دکان در نیاوران بسازد.

کارنا سرنا، سیاح اروپایی که در سال 1294 هـ برابر با 1877 میلادی به ایران آمده بود و بخت آن را داشت که قصر نیاوران را ببیند، درباره این بنا چنین نوشتند است:

«زیباترین اقامتگاه تابستانی ناصرالدین شاه قصر نیاوران است. این کاخ ساختمانی است به سیک امروز واقع در دامنه سلسله جبال البرز که باغ شکوهمند مشرف به دشت شمیران آن را احاطه کرده است. حتی در گرمه‌ترین ایام سال نیز زیر درختان انبوه این باغ نسیمی خنک در جریان است و به همین جهت شاه قسمتی از گرمای قلب الاسد را در این کاخ می‌گذراند.»

در سال 1297 تحولی کلی در عمارت نیاوران صورت می‌گیرد، شاه و نزدیکانش برای تجدید بنا در شکل جدید رایزنی‌های فراوان داشتند و یحیی خان مشیرالدوله به عنوان وزیر عدالیه طی حکمی شروع به بنای عمارتی باشکوه در آن نمود که چنان که می‌آید: «که این قصر عالی از دو سمت مفتوح است: یکی از طرف جنوب که منظر آن تمام جلگه تهران است و یکی دیگر از طرف شمال که منظر به کوه البرز دارد و طرف جنوب آن عالی تر و مزین تر است.»

اطلاعات دکتر «فوریه» پژوهش ناصرالدین شاه در کتاب سه سال در دریار ایران می‌تواند وضعیت باغ را به درستی نمایان سازد:

«در بالاتر از محلی که ناصرالدین شاه عمارت حاليه را ساخته سابق قصر فتحعلیشاه بود و این شاه آن را خراب کرده و قصر خود را به عوض آن در میان این باغ وسیع بنا نموده، قریب چهل منزل حدید که هر یک اقلال سه اتاق دارند برای زنان حرم ساخته است. از این منازل گذشته در طرف دست راست عمارت مجازای است مخصوص به امین اقدس و در طرف چپ عمارتی دیگر مخصوص ائمیں الدوله که دیواری آنها را از منازل سایر اهل حرم جدا می‌کند.»

در زمان مظفرالدین شاه دیواری از شرق به غرب در شمال کاخ صاحبقرانیه کشیده شد و محل حرم و خواجه سرایان را جدا نمودند. در زمان احمدشاه نیز به همین روای در شمال قصر جهان نما دیواری کشیده و قصر و دیوانخانه را از محل حرم و خواجه سرایان جدا کردند.

بنا به یگانه اطلاع در دست از منابع تاریخی کوشک زیبای احمد شاهی در دوران آخرین پادشاه قاجار در شمال کاخ صاحبقرانیه به فاصله 100 متری قاجار در شمال کاخ

صاحبقرانیه به فاصله 100 متری از آن بنا گردید.

در دوران پهلوی اول به منظور برگزاری مراسم جشن عروسی محمد رضا پهلوی و فرزیه، کاخ صاحبقرانیه دستخوش تحولات چشمگیری گردید. نخست دیوار میان دیوانخانه و حرم را تخریب نمودند. و سپس بنای اقامتگاه های زنان حرم را نیز که بنا به روایات بین چهل الی پنجاه واحد بود تخریب نمودند. معیرالممالک در کتاب اینیه عصر قاجار در اشاره به وضعیت مجموعه سلطنتی نیاوران و کاخ صاحبقرانیه چنین می نویسد:

«اکنون عمارت بزرگ بیرونی آن سرپاست ولی از باغ و عمارت اندرونی و بناهای دربار، نقارخانه، کشیک خانه، آسپرخانه و قراول خانه که در قسمت شمال و شمال غربی کاخ موجود واقع بود اثری بر جای نمانده.»

در کتاب جغرافیای تاریخی شمیران تألیف دکتر منوچهر ستوده نیز ضمن اشاراتی به چهل بنای اهل حرم و بناهای امین قدس و ائمه الدهله چنین می آید: در جلوی این چهل بنا، محلی برای پوش سلطنتی و پشت آنها هم محلی برای نشستن در هوای آزاد بوده است. جنوب قصر جهان نما هم باغی است که محل تفرج و گردش ناصرالدین شاه با حرم بود.»

در دوران پهلوی دوم ساخت کاخ بزرگ نیاوران که از ابتدا با عنوان «اقامتگاه مهمانان سلطنتی» طراحی گردیده بود، با تراشیدن بخش متراکم درختان و انهدام فضای سرسبز ضلع شمال شرقی با در سال 1336 آغاز گردید. با تغییر کاربری بنای مذکور(که بیش از 9000 متر مربع وسعت دارد) از عملکرد پیش گفته به فضای سکونتگاهی اصلی خاندان پهلوی دوم، عملاً بیشترین میزان دست اندازی در عرصه این باغ باشکوه صورت پذیرفت.

ساخت بنای عظیم مذکور با ساختمان کتابخانه ویژه فرج پهلوی و بناهای متعدد اداری و خدماتی در جانب شمال غربی و سپس احداث بنایی در جنوب غربی سایت و تخریب عرصه های سبز دیگری در گوشه و کنار و در فضای سبز شمال سایت با کاشت گونه های بیگانه درخت ها، گیاهان و احداث باغ و برکه ژاپنی متراffد شد. با اعمال بازسازی ها و پاره ای تغییرات در معماری داخلی، بناهای نیمه متروکه کوشک احمدشاهی اقامتگاه فرزند ارشد و کاخ صاحبقرانیه دفتر اصلی پهلوی دوم گردیدند.

باغ صاحبقرانیه که هم اینک به نام «مجموعه فرهنگی - تاریخی نیاوران» نامیده می شود بستر وقوع بسیاری از مهمترین وقایع سیاسی - تاریخی کشور در طی یکصد و پنجاه سال اخیر بوده است. رخدادهای مهمی چون اقامت و سکونت پنج پادشاه دوران قاجار پهلوی، امضای

فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه، برگزاری برخی از مهمترین جلسات و توافقات سیاسی در این فضای تبدیل آن به عنوان سکونتگاه و مقبر حکومتی آخرین پادشاه آخرین سلسله سلطنتی ایران و حضور وی تا واپسین ساعت ترک ایران، به این باغ هویت سیاسی بیگانه ای بخشیده است.

### نقش باغ صاحبقرانیه در شکل گیری کالبد کانونی تهران بزرگ

باغ صاحبقرانیه در برده ای از زمان طرف توجه و عنایت ناصرالدین شاه قرار گرفت که تهران در محدوده دارالخلافه فتحعلیشاهی کالبد بسیار کوچک داشت، فراگرد دیواره و باروهای تهران مجموعه کثیری از باغ های مختلف همچون باغ نگارستان، دوشان تپه، مستوفی، بهشت آباد، باغشاه و... قرار داشتند که شاه دارالخلافه گریز به فراخور موقعیت و اوضاع روحی خویش کوتاه زمانی در هر یک از آنها اتراف می نمود. احیا و باز پیرایی باغ نیاوران و احداث بنای قصر تابستانی که در فاصله ای دور از تهران قدیم و باغهای فراگرد آن قرار داشت، نیازمند تامین مسیر دسترسی مناسبی بود که این مهم نیز در کوتاه زمانی میسر گردید.

اقامت تابستانی شاه قاجار و معاشران و درباریان در باغ صاحبقرانیه، اقامت ناگزیر کلیه صاحب منصبان عالی مقام حکومتی، اعیان و اشراف در صفحات شمالی تهران جهت تماس مداوم با دربار و شخص شاه سبب شد تا سکونت آنها از شکل اختیاری اتراف در ییلاق به شکل الزامی سکونت در آن حیطه تبدیل شود.

در این ارتباط حتی سفرای کشورهای مهم بیگانه نیز به تأسی از درباریان و معاشرین شاه قاجار اقدام به تملک و آبادانی باغ های بزرگی در محدوده شمیران و نیاوران و احداث بنای اقامتگاهی تابستانی نمودند.

احداث و احیای باغهای مهمی چون: باغ اقدسیه، باغ سلطنت آباد، باغ منظریه، باغ فرمانفرما، باغ کامرانیه، باغ ظهیرالدوله، باغ ملک، باغ دربند، باغ فردوس، باغ آصف السلطنه و نیز تملک و توسعه باغهای بزرگ دیگری در این محدوده توسط سفارتخانه های روسیه تزاری، عثمانی، انگلستان و فرانسه و... همه متأثر از حضور پررنگ ناصرالدین شاه در باغ صاحبقرانیه بوده است. ناگفته پیداست که این رویکرد حرکت سایر اقشار اجتماعی را به سمت شمال تهران به دنبال داشت. چه سکونت تابستانی طبقات مرفه پیش

کفته، لزوم ایجاد امکانات و حضور خدمات مورد نیاز و قابل تأمین توسط لایه های پایین تر اجتماع را طلب می نمود.

اگر چه نقش شاخص باغ صاحبقرانیه در دوران 20 ساله حکومت پهلوی اول و اوائل حکومت پهلوی دوم برای مقطوعی از زمان به کاخ سعدآباد تفویض گردید، اما با حضور و اقامت آخرین خاندان سلطنتی (خانواده پهلوی دوم) در باغ صاحبقرانیه در دهه 1340 و تبدیل بخشی از باغ به کاخ اقامتگاه و دفتر حکومتی، مجدداً جاذبه عظیم صاحبقرانیه در فرخوانی و اسکان خانواده های مرفه و اقشار آریستوکرات تشدید گردید و همچنان تا واپسین لحظه حکومت پهلوی دوم سبب حرکت بافت مسکونی تهران بزرگ در قالب ساخت و سازهای بی وقفه بناهای مسکونی وسیع در عرصه مزارع و کشتزارها و مشخصاً باغ های واقع در کوهپایه های شمال تهران گردید. به بیان دقیقتر در مقیاس کلان، کاخ- باغ صاحبقرانیه از اواسط دوران قاجار (1267ق) آغازگر و عامل بسیار مهمی در آبادانی صفحات شمالی تهران قدیم، احیا و احداث باغهای بزرگ واقع در مناطق شمالی و کوهپایه ای در فاصله ای بسیار دور از دارالخلافه و هسته مرکزی تهران شد، امری که رفته رفته مغناطیس و عامل حرکت و رشد بافت شهر در راستای جنوب به شمال گردید و مداوماً در طی بیش از یکصد و پنجاه سال تداوم یافت.

در مقیاس منطقه ای اما، جاذبه فراوان و عملکرد باغ یاد شده به نوعی سبب از دست رفتن حوزه وسیع طبیعی و قلمرو محیطی پیرامون مجموعه و تنگ تر شدن مداوم عرصه سازمان فضایی بر آن گردید. به بیانی روشتر اگر کاخ صاحبقرانیه جای گرفته بر صفة ای رفیع و برخوردار از منظری بی نظری با شکوه مشرف به دشت بزرگ پیش رو، سبب شکل گیری باغهای مصفا و وسیع و تعمیم فضای سبز آراسته و معمور در گستره وسیع زیر سیطره خود گردید، در دوران پهلوی دوم به سبب افزایش جاذبه و اقبال بیش از حد اطرافیان و صاحب منصبان حکومتی به منطقه و احداث باغهای مسکونی در جوار آن رفته قلمرو پیرامون خود را از دست داد. با شکل گیری شهرک اعیان نشین صاحبقرانیه و تکیک اراضی ساخت و احداثی مسکونی در باغهای پیرامون، عملاً حرکتی مهلك و تخریبی در جهت از دست رفتن چشم اندازهای کم نظیر منطقه، خشک شدن مزارع و سربرآوردن شماری از واحدهای مسکونی (ابتداً کم تراکم) آغاز شد.

پس از انقلاب نیز با از بین رفتن قدرت حکومتی و انهدام سیستم کنترل حریم امنیتی پیرامون مجموعه، روند ساخت و سازهای یاد شده با افزایش جمعیت و اعطای بی رویه تراکم، به قدر افزایشتن بدن عنان بناهای بلندمرتبه و برجها در اطراف و اکناف مجموعه منجر گردید تا بدانجا که ارزشها بصری باغ و منظر آن از خارج به داخل و چشم

اندازه‌های بی‌مانند آن از داخل به خارج و ریز اقلیم محدوده آن به شدت محدودش گردید.

تصاویر هوایی موجود که تغییر و تحولات باغ در عرصه داخلی و حوزه بیرونی آن را از سال 1335 تا سال 1375 مشخص می‌نمایند، شواهدی گویا بر روند 40 ساله تخریب و آلاش پیکره و بستر طبیعی محل استقرار باغ صاحبقرانیه یا نیاوران تلقی می‌گردد.

تمامی مساعی مصروف در امر ساماندهی باغ ایرانی زمانی به نتیجه خواهد رسید که باغ به مثابه پدیده ای زنده، پویا و نیز عاملی حاضر و مؤثر در حیات اجتماعی و فرهنگی جامعه امروزین ارزیابی و شناخته شود. در مورد نمونه پیش رو چنان که آمد مشخص گردید که باغ صاحبقرانیه علی رغم تمامی جفاهای و تنگناها، قرار گرفته در حصارهای بلند فراگرد خویش تا چه میزان تأثیری شگرف در حوزه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در شکل گیری تهران بزرگ در گستره ای بس عظیم داشته است.

بایداشاره نمود که حیطه و حوزه عملکردی اجتماعی و فرهنگی بسیاری از باغهای مطروحه در این همایش همانند باغ صاحبقرانیه محدوده ای محلی و منطقه ای نبوده بلکه مقیاسی ملی دارد و یگانه راه حفظ، احیا و ساماندهی برای حضور پایدار عنصر باغ ایرانی در کشور، همانا ایجاد شرایط لازم برای بستر طبیعی و حوزه فرهنگی وسیع فراگرد آنان است.

در مورد خاص باغ صاحبقرانیه حاصل سه سال مطالعه بnde و همکاران با توجه به آن که از بستر طبیعی دیرینه و حیطه پیرامونی صاحبقرانیه عرصه چندان باقی نمانده است. در وله نخست ملزم نمودن کلیه ارگانها و نهادهای ذیربسط در مورد رعایت حریم جغرافیایی، فیزیکی و بصری و صیانت دقیق معدود باغهای ایرانی بازمانده در سطح کشور است. که در این خصوص باید اشاره شود وضعیت باغ صاحبقرانیه با توجه به هجوم بی وقهه سازندگان واحدهای مسکونی و اداری به حریم باغ به شدت مخاطره آمیز است و در مرحله دوم نیز پیشنهاد اینجانب تأکید بر بازشناصی و معرفی عملکردهای فرهنگی و تاریخی مجموعه یاد شده و ایجاد یک محور فرهنگی ارگانیک برای تهران بزرگ در محدوده کوهپایه های شمالی، در حد فاصل باغهای صاحبقرانیه و سعدآباد با عنایت به وجود بقایای باغهای ارزشمند و وجود بیش از 50 مرکز فرهنگی و علمی در این محدوده است. به یاد داشته باشیم که تنها ارتباط و تعامل مداوم بین بقایای باغهای تاریخی و دیگر آثار فرهنگی و همچنین وجود اراده و رویکردی ملی در راه تبیین ارزشها معنوی و هویت تاریخی آنان عامل بقا و تداوم حیات این عناصر بی نظیر خواهد بود. کوتاه سخن آن که، بیاید پیش از آن که معدود باغهای ایرانی از جغرافیایی کشور حذف شده و به تاریخ آن بپیوندند به نجات آنان

بپردازیم:

شاید مولانا از آنجه بر باغ ایرانی در دوران حاضر رفته است پیشایش آگاهی داشته، به  
ویژه آنجا که می فرماید:

چون که گل رفت و گلستان درگذشت نشنوی زان پس زبلل سرگذشت

چون که گل بگذشت و گلشن شد خراب بوى گل را از که بیایم، از گلاب





## منابع

باغ ایرانی بازتابی از بهشت، انتشارات میج (Mage)، واشینگتن ۱۹۹۸، تأثیر محمد رضا مقتدر، مینوش یاوری و مهدی خوانساری، ترجمه مهندسین مشاور آران، ۱۳۸۳.

تهران، ظهور یک کلان شهر، تألیف دکتر علیرضا مدنی پور، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری، ترجمه دکتر حمید زراندوز.

جغرافیای تاریخی شمیران، دکتر منوچهر ستوده . طرح حفظ و سازماندهی تهران، مهندسین مشاور آنک.

عکس های هوایی سازمان نقشه برداری کشور 1335، 41، 45، 48، 74.

مرآت البلدن، جلد چهارم

مطالعات معرفی و ساماندهی مجموعه فرهنگی - تاریخی نیاوران، مهندسین مشاور آران، 1381.

نویسنده متن: بابک زیرک